

مصدق ستیزی تا کی ادامه ؟

"خبر سقوط مصدق زمانی به من رسید که با همسر و پسر در کشتی، در میان جزایر یونان در دریای مدیترانه مشغول استراحت بودیم. پس از صدمت‌ها، آن شب خواب بسیار خوشی کردم."

خلطرات سر آنتونی ایدن، وزیر امور خارجه انگلستان در زمان کودتا ۲۸ مرداد.

هم میهن!

هر روزی که می‌گذرد چهره مصدق بزرگ درخشان‌تر از روز پیش در آسمان تاریخ ایران زمین می‌درخشد، مردم ایران بویژه نسل جوان متوجه شده‌اند که تمام مصائب و گرفتاری‌هایی که امروزه گریبان گیر ملت و کشورمان شده است نتیجه و بازده کودتای ننگین ۲۸ مرداد می‌باشد.

مصدق بعنوان سمبول آزادی، استقلال، عدالت و مردم‌سالاری، پیامبر گونه مورد ستایش ایران دوستان و آزادپخواهان قرار گرفته است. ملت ایران تحت رهبری و هدایت این بزرگمرد تاریخ مشرق زمین بود که توانست پوزه بزرگترین امپراتوری استعمارگر جهان را بخاک بمالد. آنهم نه در میدان جنگ بلکه در میدان سیاست، نبرد دلاورانه که موجب بیداری ملت‌های خاورزمین گشت. دولت وقت انگلستان که دکتر مصدق را خطر بزرگی برای منافع نامشروع و استعماری خود می‌دید با شگرد خاصی آمریکا را وادار نمود تا در براندازی دولت ملی مصدق با او همکاری نماید.

دولت اتحاد جماهیر شوروی هم که پس از مرگ ژوزف استالین با مشکلات درونی روبرو بود، در خفا تعهد نمود که در برابر اقدامات تجار و کارا نه آمریکا و انگلیس علیه ایران سکوت کامل نماید. در این مدت شماری از سیاستمداران، وکیلان، مجلس، روحانیون و ارتشیان به امید وعده‌های داده شده از سوی بیگانگان به صف مخالفان نهضت ملی پیوستند. برای نمونه می‌توان از افراد و سازمانهای زیر نام برد.

دکتر مظفر بقایی، حسین مکی، حایری زاده، میراشرفی و... آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی، آیت الله سید محمد بهبهانی

آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی، آیت الله سید محمد بهبهانی، آیت الله شیخ احمد کفایی خراسانی، آیت الله شیخ بهاء الدین نوری، حجت الاسلام شمس قنات آبادی، شیخ محمدتقی فلسفی و... فدائیان اسلام، مجمع مسلمانان مجاهد و درپشت صحنه آیت الله العظمی سید حسین بروجردی.

سرلشکر بازنشسته فضل الله زاهدی، لشکر با تمانقلیج، سررتیب گیلا نشاه، سرهنگ نصیری، سرهنگ فرزادگان، اردشیر زاهدی، برادران رشیدیان و..... زبان بدکاره به سرپرستی ملکه اعضا دی و پری آجودان فزی و.....

چاقو کشان به سرکردگی شعبان جعفری (شعبان بی مخ) طیب حاجی رضایی، حسین رمضان یخی، اصغر خالدار، ناصر جیگرکی، ووو..... و دربار پهلوی، حزب توده‌بیدین ترتیب کودتای ۲۸ مرداد انجام گرفت و نتیجه آن را امروزه همگی شاهدیم.

اکنون بیش از هر زمان دیگر نام مصدق، لریزه براندام خود کامکان، مستکبران و بیگانه پرستان انداخته است که امروزه دور تازه ای علیه مصدق آغاز شده است. این در حالی است که اکثر اسناد و مدارک از سوی فرماندهان و طرا حان و مجریان اصلی کودتای ۲۸ مرداد افشا شده و خانم لولبرایت وزیر امور خارجه سابق آمریکا بخاطر کودتای ۲۸ مرداد از ملت ایران پوزش خواسته است. در گذشته هم مقامات سیاسی و امنیتی انگلیس و آمریکا پرده از روی ما جرا ۲۸ مرداد برداشته اند تا آنجا که مرحوم محمد رضا شاه مجبور شد در کتاب «پاسخ به تاریخ» سر بسته به تماس شبانه خود با فرستاده سازمان جاسوسی آمریکا (سیا)، اشاره نماید. خانم اشرف پهلوی هم در کتاب «چهره هایی در آئینه» به نقش خود در رابطه و همکاری با عوامل اطلاعاتی آمریکا و انگلیس، بصراحت اقرار کند. حال دایه های مهربان تر از مادری پیدا می شوند که میخواهند همه چیز را وا رونه جلوه دهند. کیهان چاپ تهران و رسالت مقاله هایی را علیه دکتر مصدق منتشر کرده و می کنند سپس چند رسانه نوشتاری و تصویری در بیرون کشور با دشمنان داخلی دکتر مصدق همراهی و هم نوازی میکنند.

جالب اینجاست یکی از نوچه های احمد آیت که مرید و شاگرد مکتب دکتر بقایی و از هواداران حزب زحمتکش بود، وارد معرکه شده و در یکی از تلویزیون های فارسی زبان که از واشنگتن پخش می شود، باصطلاح خودش با ارکه مدارک و اسناد !!! ماهیت بزرگمرد تاریخ ایران زمین، دکتر مصدق را افشا می کند. این آقا به تاریخ ۱۳۷۳ در

ایران کتابی نوشت و با بود چه شخصی بجای رساند ، تحت عنوان « حافظه تاریخ » . هدفش از چاپ این کتاب تبرئه استاد و مرادش دکتر مظفر بقایی از شرکت در ماجرای ربودن و قتل تیمسار محمود افشارطوس رئیس شهرداری دولت ملی دکتر مصدق بوده است

این آقا چند صباحی هم در چاپ و نشر ماهنامه « پرتو ایران » که در کانادا چاپ و منتشر می شد با مرحوم سیاوش بشیری ، همکاری می نمود . این آقای صاحب مدارک و اسناد ، در گذشته خود را فدائی و عاشق دل خسته آیت الله کاشانی معرفی می کرد امروز هم در کنار گردندگان روزنامه های کیهان چاپ تهران ، رسالت و جمهوری اسلامی علیه راستی و درستی به مبارزه برخاسته است .
مصدق و رفراندم

به جرأت میتوان گفت بزرگترین اقدام تاریخی دکتر مصدق در طول ۲۷ ماه و چند روز نخست وزیری برگزاری رفراندوم جهت انحلال مجلس شورای ملی بوده است . بر میگردیم به عقب تر ، پس از اعلام ملی شدن صنعت نفت و خلع پد از شرکت غاصب انگلیس ، دولتمردان انگلستان تصمیم گرفتند به ایران حمله نظامی کنند و با سقوط دولت ملی دکتر مصدق ، به کشورهای منطقه اختطار نمایند که منافع انگلستان را نمی توان به بازی گرفت و از سر نوشت دکتر مصدق باید درس عبرت آموخت . ولی دولت آمریکا با حمله نظامی مخالفت کرد زیرا معتقد بود ، باید ولو به ظاهر ، مصدق را از طریق قانونی برکنار کرد و بجایش دولت گوش فرمان و مطیعی بر سرکار آورد . برای اجرای این طرح ، از طریق عوامل خود ، ضمن تماس با نمایندگان مجلس ، شماری از آنان را با وعده و وعید خریداری نمودند . دکتر بقایی و مکی را با وعده نخست وزیری و دیگران را با وعده های گونا گون . زمانی که تعداد نمایندگان خریدار شده به حد نصاب رسید با اشاره آنها دولت ملی از سوی علی زهری باز غار دکتر بقایی مورد استیضاح قرار گرفت . برابر قانون ، دکتر مصدق می باید بایست ظرف یکماه جهت پاسخ به مجلس برود پس از ختم جلسه رای گیری بعمل می آمد و اکثریت نمایندگان ، برابر برنامه از پیش ابلاغ شده ، با دادن رای عدم اعتماد موجب برکناری دولت ملی می شدند که این عمل در ظاهر برابر موازین قانون اساسی انجام می گرفت . آنوقت شخص مورد نظر خود را بر سرکار آورده و بدین ترتیب به هدف های پلید خود می رسیدند . البته در این مدت هرروزه در گوشه و کنار کشور در اجرای فرمان ، عوامل آیت الله کاشانی آیت الله بهبهانی ، حزب توده ، حزب زحمتکشان بقایی ، کانون افسران بازنشسته ، فدائیان اسلام ، مجمع مسلمانان

مجاهد و دربار، اغتشاش و بلوا نازه ای بر ما می کردند که دولت را سرگرم برقراری امنیت نموده تا آنها بتوانند به آسودگی زمینه را برای اجرای هدف های اهریمنی خود آماده سازند. دکتر مصدق بفراست دریافته بود که دشمنان، جهت شکست نهضت ملی و ضد استعماری ملت ایران و سرنگونی دولت وی در حال دسیسه چیدنند. لذا جهت خنثی کردن اقدامات آنان، اعلام رفراندم نمود و از مردم یعنی صاحبان حقیقی کشور خواست تا در آن شرایط خاص بین قوه مجریه و قوه مقننه داوری نموده و رای مورد نظر خود را بدهند. اکثریت ملت ایران رای اعتماد خود را به دولت ملی داد. با انحلال مجلس هفدهم، نقشه توطئه گران با شکست روبرو شد لذا آمریکا مجبور شد آخرین تیر را از ترکش رها کند و آن کودتا بود با این اقدام آمریکا که تا آن زمان کشوری دموکرات و طرفدار آزادی در جهان شناخته می شد به یکباره نقاب از صورتش برکنار و چهره واقعی اش نمایان شد و بدین ترتیب خشم و تنفر ملت های جهان سومی را علیه خود برانگیخت. تا جایی که خود پذیرفته اند شرکت آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد جهت سرنگونی دولت ملی مصدق بزرگترین اشتباه زمامداران وقت آمریکا بوده است که باید سالیان سال کفاره آن را پس بدهند. دکتر مصدق با این اقدام بزرگ توانست چهره واقعی مدعیان آزادی و دمکراسی را به جهانیان نشان دهد.

حادثه دهم مردادماه ۱۳۳۲

آیت الله کاشانی، طی اعلامیه شدید اللحنی اعلام داشت

« شرکت در رفراندم خانه برانداز که با نقشه اجانب طرح ریزی شده مبطوف »

« حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه، حرام است، البته و البته هیچ مسلمان و »

« وطنخواهی شرکت نخواهد کرد ... »

در دهم مرداد ماه ۱۳۳۲، بنا بر دعوت طرفداران آیت الله کاشانی جهت مخالفت با رفراندم، جلسه ای در منزل ایشان برگزار شد که در نتیجه به نزاع بین طرفداران و مخالفان رفراندم انجامید در این درگیری عده ای از دو طرف مجروح و مصدوم گردیدند، آقای حداد زاده عضو مجمع مسلمانان مجاهد در اثر ضربه چاقو شخص ناشناسی بقتل رسید و همچنین رئیس کلانتری محل نیز با ضربات چاقو مجروح شد. در این باره تحقیقات بسیاری انجام گرفت، چه قبل از کودتا و چه بعد از آن ولی ضارب شناخته نشد اکنون چگونه این آقای صاحب « اسناد و مدارک »، در تمام آن دوران سکوت کرده و با داشتن مدارک و اسناد حتی عکس قاتل، چرا موضوع را پیگیری نکرده است و قاتل و ضارب را به مقام های مسئول معرفی نکرده حتی به شخص آیت الله و

با مرادش دکتر بقایی تا آنان پیگیر قضیه شوند که بس از گذشت پنجاه و یک سال از آن حادثه امروز زبان در آورده است !!؟

سرهنک ناصر یگانه